



Journal of Early Childhood Health and Education

Summer 2024, Volume 5, Issue 2 (16), 95-105

Investigating the wall and desk writings of students from the perspective intertextuality of Fairclough's Theory

Gholamreza Rostami Heydarlu¹, Haniyeh Davatgari asl^{2*} & Nader Asadi Aydinlo³

1. PhD Candidate in Linguistics, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran
2. Assistant Professor of TEFL, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran
3. Assistant Professor of TEFL, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran

ARTICLE INFORMATION	ABSTRACT
Article type Original research Pages: 95-105 Corresponding Author's Info Email: H-Davatgari-asl@iau-ahar.ac.ir	Background and Aim: This research intends to investigate the wall and desk writings of students from the perspective intertextuality of Fairclough's Theory. In the students' writings on the wall and the desk, the language is organized in such a way that it can be explained Norman Fairclough's intertextuality approaches. The interpretation of intertextuality means that a text, related to group and it showse the relationship between the participants, and situation. Methods: Fairclough's model is an efficient tool for analyzing the theoretical framework of this research. It has investigated the issue of how critical discourse formed in the wall and desk of students' writings by using descriptive-analytical method. The statistical population was the students of the high schools in Miandoab with a statistical sample of 31 walls and desks were randomly photographed and recorded using a camera. Results: The results of the research show that intertextuality is the discourse order and message of the writings and discourse continuity and intertextuality seen in the writings of the students. This means that the students used poetry, metaphor, death, greetings and discourse order in their writings and conveyed their message to the reader in the linguistic context. They complain about one-sidedness. Conclusion: Injustice in the observance of discourse against teachers and administrators. From the point of view of intertextuality, these students' writings express protest against the existing situation in schools towards administrators and teachers.
Article history: Received: 2024/01/25 Revised: 2024/03/10 Accepted: 2024/05/01 Published online: 2024/06/04	
Keywords: Fairclough view, Intertextuality, Critical discourse, Wall & desk writing	



This work is published under CC BY-NC 4.0 licence. © 2022 The Authors.

How to Cite This Article: Davatgari asl, H., & et al. (2024). Investigating the wall and desk writings of students from the perspective intertextuality of Fairclough's Theory. *JECHE*, 5(2, 16): 95-105.



فصلنامه سلامت و آموزش در اوان کودکی



تابستان ۱۴۰۳، دوره ۵، شماره ۲ (پیاپی ۱۶)، صفحه‌های ۹۵-۱۰۵

بررسی آرای نورمن فرکلاف از لحاظ بینامتنیت در میز و دیوار نوشته های دانش آموزان

غلامرضا رستمی حیدرلو^۱، هانیه دواتگری اصل^{۲*} و نادر اسدی آدینلو^۳

۱. دانشجوی دکتری زبان شناسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران
۲. استادیار آموزش زبان انگلیسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران
۳. استادیار آموزش زبان انگلیسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: علمی- پژوهشی صفحات: ۹۵-۱۰۵ اطلاعات نویسنده مسئول ایمیل: H-Davatgari-asl@iau-ahar.ac.ir	زمینه و هدف: هدف این مقاله بررسی دیوار و میز نوشته های دانش آموزان براساس دیدگاه فرکلاف بوده است. دیوار و میز نوشته های دانش آموزان زبان به گونه ای نظام یافته است که در آن می توان به تبیین رویکرد بینا متنی فرکلاف پرداخت. تفسیر بافت بینامتنی به این معنا است که متن به مجموعه متعلق است و نحوه رابطه میان مشارکین و زمینه مشترک را نشان می دهد. روش پژوهش: الگوی فرکلاف، ابزاری کارآمد برای تحلیل چارچوب نظری این پژوهش است. این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی، مسأله چگونگی شکل گیری گفتمان انتقادی را در دیوار و میز نوشته های دانش آموزان متوسطه اول مورد بررسی قرار داده است. جامعه آماری این تحقیق دانش آموزان مدارس متوسطه اول شهرستان میاندوآب با نمونه اماری ۳۱ دیوار و میز نوشته بوده است که بصورت تصادفی با استفاده از دوربین عکس برداری و نت برداری شده است. یافته ها: تحقیق بیانگر آن است بینامتنیت همان نظم گفتمانی و پیام نوشته ها و پیوستگی گفتمانی است که در نوشته های دانش دآموزان دیده شد و نوشته های دانش آموزان دارای بینامتنیت می باشد بدین معنی که دانش آموزان در نوشته های خود از شعر و استعاره و مرگ و درود و نظم گفتمانی استفاده نمودند و در بافت زبانی پیام خودشان را به خواننده انتقال دادند. نتیجه گیری: به طور خلاصه در موقعیت مدارس نوشته های دانش آموزان نشان می دهد که دانش آموزان از گفتمان یک طرفه و بی عدالتی در رعایت گفتمان توسط معلمان و مدیران گله دارند. از منظر بینامتنیت، این نوشته های دانش آموزان بیانگر اعتراض به وضعیت موجود در مدارس نسبت به مدیران و معلمان است.
واژگان کلیدی آرای فرکلاف، بینامتنیت، گفتمان انتقادی، دیوار و میز نوشته	
شبهه استاندارد به این مقاله دواتگری اصل، هانیه و همکاران. (۱۴۰۳). بررسی آرای نورمن فرکلاف از لحاظ بینامتنیت در میز و دیوار نوشته های دانش آموزان. فصلنامه سلامت و آموزش در اوان کودکی، ۵(۲): ۹۵-۱۰۵.	

انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با CC BY-NC 4.0 صورت گرفته است.

تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است.



شبهه استاندارد به این مقاله

دواتگری اصل، هانیه و همکاران. (۱۴۰۳). بررسی آرای نورمن فرکلاف از لحاظ بینامتنیت در میز و دیوار نوشته های دانش آموزان. فصلنامه سلامت و آموزش در اوان کودکی، ۵(۲): ۹۵-۱۰۵.

مقدمه

امروزه نیاز به تحلیل گفتمان متون ادبی به منظور رمزگشایی حقایق پنهان در زیرساخت‌های متن، بیش از پیش حس می‌شود؛ زیرا در عصر حاضر و به موازات پیشرفت‌های حاصل شده در این حوزه، نظریه‌های گوناگون تحلیل گفتمان، توانایی ما را در واکاوی ادبیات و دیوار و میز نوشته‌ها، اندیشه‌ها و قدرت حاکم و تشکلات اجتماعی در دوره‌های مختلف گسترش داده و موج آگاهی سیاسی اجتماعی تحلیلگر در سطح بسیار وسیع می‌شود (شرکت مقدم و همکاران، ۲۰۲۱). اصطلاح گفتمان، نخستین بار در مقاله «تحلیل گفتمان» نوشته هریس^۱ در سال ۱۹۵۲ میلادی به کار رفته است. گفتمان انتقادی، دریچه‌ای را بر خوانش‌های مختلف و متعدد بینامتنیت می‌گشاید و نیز مخاطب را با زوایای مختلف یک اثر متن نوشتاری (دیوار نوشته و میز نوشته) مواجه می‌سازد (بهرامی رهنما و آریان، ۲۰۲۰). در مورد رابطه میان دیوار و میز نوشته‌ها و تحلیل گفتمان انتقادی می‌توان گفت که زبان شناسی از مسیر تحلیل گفتمان انتقادی با متون نوشتاری دیوار و میز نوشته‌ها برای تعیین چارچوبهای نظری و الگوهای تحلیل، بسیار مؤثر و کارآمد است.

تحلیل گفتمان انتقادی یک رویکرد میان رشته‌ای (نه یک نظریه!) است که برای تحلیل نقشی که زبان (مکتوب، گفتاری یا بصری) در ساخت دانش، ایدئولوژی و قدرت بازی می‌کند، استفاده می‌شود. نظریه زبان و قدرت کلاف بر اساس نظریه گفتمان میشل فوکو^۲ است که نشان می‌دهد قدرت در همه جا وجود دارد و از طریق «دانش پذیرفته شده» حفظ و درک می‌شود. به بیان دیگر، تحلیل گفتمان انتقادی روشی تازه است که زبان را به عنوان شکلی از کارکرد اجتماعی بررسی و بر بازتولید قدرت اجتماعی به وسیله متن تأکید دارد. از آنجاکه قدرت حاکم بر هر جامعه‌ای گفتمان آن جامعه را شکل می‌دهد، این رویکرد می‌تواند در مطالعه چگونگی پیوند آثار دیوار و میز نوشته‌ها با قدرت مسلط بر جامعه مؤثر واقع شود (شرکت مقدم و همکاران، ۲۰۲۱). تحلیل گفتمان انتقادی زبان را به عنوان یک عمل اجتماعی می‌شناسد و آن را در بافت اجتماعی خود قرار می‌دهد و به آنچه توسط چه کسی و در کجا گفته می‌شود توجه دارد. هدف تحلیل گفتمان انتقادی تجزیه و تحلیل وجود تسلط، قدرت و کنترل در زبان است و به بررسی انتقادی نقش زبان در ایجاد و حفظ نابرابری اجتماعی می‌پردازد. تحلیل گفتمان انتقادی رویکردی بدیع در تحلیل گفتمان و نوعی گفتمان پژوهی مبتنی بر جنبه جامعه شناختی است. همانطور که از کلمه «انتقادی» بر می‌آید، چنین تحلیلی بر مسائل قدرت، سلطه، نابرابری، بازتولید و مقاومت در برابر قدرت متون متمرکز است. تحلیل گفتمانی نورمن کلاف^۳ نظریه برجسته‌ای در این زمینه است که ساخت در چارچوب زبان و همچنین کشف ویژگی‌های ایدئولوژیک و سیاسی، کاربردهای زبان و بازتولید روابط قدرت را بر اساس بینامتنیت بررسی می‌کند (نصیری و طالبیان، ۲۰۲۱).

گرافیتی‌ها^۴ که با انگیزه‌های متفاوت بر روی میز و دیوار مدارس نوشته می‌شوند، در نقش رسانه‌ای مؤثر، توجه بسیاری را به خود جلب کرده‌اند. این دیوار و میز نوشته‌ها پدیده‌ای به درازای تاریخ است و به یک نقطه از جهان منحصر نمی‌شود. این پدیده نوعی اعتراض و بیان احساسات در مقابل ساختار اجتماعی آن محیط می‌باشد. میز و دیوار نوشته‌ها که با انگیزه‌های متفاوت بر روی میز و دیوار مدارس نوشته می‌شود، گاه هشدار دهنده و گاه اندرز گونه‌اند. تحلیل گفتمان انتقادی رویکردی نوین در تحلیل گفتمان است که در دهه‌های اخیر، در طیف وسیعی از پژوهش‌ها در رشته‌های جامعه‌شناسی و روانشناسی به کار گرفته است. اگر چه رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی رابطه‌ی زبان، قدرت، ایدئولوژی و گفتمان در متون رسانه‌ای و مسایل سیاسی - اجتماعی را در اولویت نخست دستورکار خود دارد، و لیکن اگر بپذیریم که هر آنچه به زبان گفتار و نوشتار مربوط می‌شود در حوزه‌ی تحلیل گفتمان جای می‌گیرد، پس می‌توان متون نوشتاری دانش‌آموزان در دیوارها و میزها را در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی تحلیل

1 Harris, Z.S

2. Michel Foucault

3. Norman Clough

4 Graffiti

و تفسیر نمود و احساسات، عواطف و خشم انتقادی دانش آموزان را نسبت به مدرسه شناسایی و معرفی کرد.

تحلیل گفتمان انتقادی کلاف: تحلیل گفتمان، موضوعی میان رشته ای است که در شکل گیری آن علومی چون زبان- شناسی، جامعه شناسی، روان شناسی اجتماعی، تاریخ و فلسفه تأثیر بسزایی دارند. یکی از نظریه پردازان برجسته در تحلیل گفتمان، نورمن کلاف است که چارچوب این پژوهش، بر اساس آرای او استوار است. «کلاف، تعریف میشل فوکو از گفتمان را با چارچوب نظام مندی از تحلیلی متنی بر یک تحلیل زبان شناختی از متن ادغام کرده است» (میلز^۱، ۲۰۱۴). کلاف معتقد است: «ساختارهای کلان جامعه، ساختارهای ایدئولوژیک گفتمانی را بازتولید می کنند» (آقا گلزاده: ۲۰۱۵). «تحلیل گفتمان در صدد است تا نظام و آرایش متنی عناصر زبانی را مطالعه کند. بنابراین واحدهای زبانی نظیر مکالمه ها یا متون نوشتاری را بررسی می کند. بر این اساس، تحلیل گفتمان با کاربرد زبان در زمینه های اجتماعی به ویژه با تعامل ها یا مکالمه ها میان گویندگان سر و کار دارد» (کلاف: ۲۰۰۰).

تحلیل گفتمان انتقادی به بررسی ساختار تحولات اجتماعی و هنگی در جوامع مختلف پرداخته است. «گفتمان به مثابه یک پرکتیس اجتماعی، رابطه ای دیالکتیکی با سایر وجوه اجتماعی دارد. گفتمان صرفاً به شکل گیری و تغییر شکل ساختارهای اجتماعی کمک نمی کند، بلکه آن ها را بازتاب هم می دهد» (بورگنسن و فیلیپس^۲، ۲۰۱۵: ۱۱). کلاف در تحلیل انتقادی گفتمان، سطوح بینامتنیت را برای بررسی متون در نظر گرفته است:

- سطح بینامتنیت یا کردار گفتمانی: «این سطح حد واسط میان متن و کردار اجتماعی است و با استفاده از آن، مردم از زبان برای تولید و مصرف متن بهره می گیرند و بدین طریق، متن به کردار اجتماعی شکل می دهد و از آن شکل می گیرد» (سلطانی، ۲۰۱۵: ۶۶). یکی از مفاهیم بنیادین در این سطح، مفهوم بینامتنیت است که این سطح با در نظر گرفتن بافت موقعیت و عوامل بینامتنیت تفسیر می شود. میز و دیوار نوشته های دانش آموزان معمولاً بیان اعتراض و گفتمان خاموش آنها نسبت به بی توجهی مدیران و معلمان و عدم توجه به خواسته ها آنها می باشد و این مقاله درصدد بررسی آرای نورمن کلاف از لحاظ قدرت، ایدئولوژی و گفتمان حاکم در مدارس بوده که در سطح بینامتنیت بررسی شده است.

در زمینه تحلیل انتقادی گفتمان، مقاله های بسیاری به رشته تحریر درآمده است که مواردی که در ادامه بیان شده، برخی از آنها هستند.

شرکت مقدم و همکاران (۲۰۲۱) طی تحقیقی به تحلیل گفتمان انتقادی داستان «شما که غریبه نیستید» اثر هوشنگ مرادی کرمانی براساس رویکرد نورمن کلاف در سطح بینامتنیت پرداختند. در بخش بینامتنیت بافت موقعیتی، نوع گفتمان، قدرت کلام، بینامتنیت و نظم گفتمانی داستان مطالعه شده و در نهایت در سطح تبیین، به تحلیل متن، به عنوان جزئی از روند مبارزه اجتماعی در ظرف مناسبات قدرت پرداخته شده است.

نصیری و طالبیان (۲۰۲۱) طی تحقیقی به بررسی و نگاهی انتقادی به نفصه المصدور از منظر تحلیل گفتمان نورمن کلاف در سطح بینامتنیت پرداختند. نتایج نشان داد در حالی که گفتمان جبر که مبتنی بر شکایت از روزگار، ظلم و غارت مغول است، در سطح نفصه المصدور، اندیشه های زیدری، گفتمان جبر و خیانت کارگزاران حکومت و طبقه ودست متفاوت است. در لایه های زیرین این اثر بر استبداد و جبرگرایی اولویت دارند. و سطوح توصیفی، به گونه ای که آشنایی زدایی انتقادی با کنار هم قرار دادن ایدئولوژی های مختلف در متن ایجاد می شود تا رویکرد جدیدی در این زمینه ایجاد شود.

سادات ناصری و همکاران (۲۰۱۵) به بررسی تحلیل گفتمان انتقادی داستان مرگ بونصر مشکان براساس رویکرد نورمن کلاف پرداخته است. وی تاریخ بیهقی را براساس چارچوب نورمن کلاف در سه سطوح توصیف، بینامتنیت و تبیین بررسی نموده است. در سطح توصیف بیشتر بر انتخاب نوع واژگان، شخصیت ها و جنبه های استعاره تأکید شده است که دیدگاه ایدئولوژیک نویسنده را

1 - Sara Mills

2 - Jorgensen, M. & Phillips, L.

بیان می کند. و در سطح تفسیر بحران عاطفی و روانی حاکم بر اجتماع آن دوران و گفتمان طیف های مختلف با پیوندی بینامتنی تفسیر می شود و در سطح تبیین، تعامل آسایش روحی، پریشانی، تعهد و بی تعهدی، وفاداری، خیانت و غیره را بیان نموده است. نودری و همکاران (۲۰۱۲) طی تحقیقی نشان داده اند که متون رسانه ای ایران که در حال بازنمایی واقعیت بحران اقتصادی اجتماعی اروپا و آمریکا در سال ۲۰۱۱ میلادی هستند، از تحلیل گفتمان نورمن کلاف در سطح بینامتنیت متأثر هستند. خیرآبادی (۲۰۱۳) در مقاله «نگاره‌ی زبان شناختی نگارش گزینش خبر: رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی» که برگرفته از رساله دکتری وی است، با دید انتقادی به روابط نابرابر قدرت و ایدئولوژی نهفته در وادی هر گفتمان توجه کرده است. نتایج بررسی نشان داد که در سطح تبیین و تفسیر، قدرت و ایدئولوژی بر گفتمان حاکم می باشد و نوع گفتمان روزنامه ها براساس قدرت و ایدئولوژی تعیین می شود.

ژیلنگ^۱ (۲۰۱۸) طی تحقیقی در تحلیل گفتمان انتقادی گزارش روزنامه‌های گاردین چین، بر اساس چارچوب گفتمان انتقادی کلاف در سطح بینامتنیت نشان داد ایدئولوژی حاکم بر جامعه و بافت موقعیتی متن بر گفتمان روزنامه‌ها تأثیر داشته است. ماچین و مایر^۲ (۲۰۱۲) متون نوشتاری روزنامه «مردم» چین را براساس تحلیل گفتمان انتقادی کلاف از منظر بینامتنیت مورد بررسی قرار داده است. نتایج تحقیق نشان داد که در سطح بینامتنیت، تحلیل انتقادی گفتمان، آشکارسازی ایدئولوژی مدفون شده در گفتمان است و متون مختلف در سطوح زیرین خود، ایدئولوژی پنهان دارند که می تواند در ساخت معنا تأثیر بگذارد. با توجه به مشاهدات میدانی در مدارس و پی بردن به علت و چرایی این دست نوشته ها و همچنین احساسات دانش آموزان و گفتمان حاکم بر روی میز و دیوار، نویسنده را از لحاظ زبانشناختی به طرح این موضوع ترغیب نموده است، بنابراین مسأله‌ای اصلی این تحقیق، بررسی نقش عوامل زبانشناختی و غیر زبانشناختی در تولید و درک متن بوده که قدرت، ایدئولوژی حاکم و احساسات دانش آموزان بر روی دیوار و میز نوشته های آنان را براساس چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی از منظر بینامتنیت، مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است و مواردی مانند چگونگی استفاده نویسنده از زبان و کاربرد واژگان با توجه به موقعیت جامعه شناختی که متن در تعامل با آن شکل گرفته است، توجه می شود و همچنین نگارنده بر آن است تا نشان دهد که چگونه گزینش واژگانی و بافت معنایی متن در خدمت ایدئولوژی و قدرت بوده و به تکثیر آن کمک می کند. بدین منظور، از روش تحلیل گفتمان کلاف استفاده می شود و میز و دیوار نوشته های دانش آموزان در سطح بینامتنیت تحلیل می شود. سپس در بخش بینامتنیت، بافت موقعیتی، نوع گفتمان، قدرت کلام و نظم گفتمانی میز و دست نوشته های دانش آموزان مورد مطالعه قرار می گیرد. لذا سوال اصلی پژوهش این است که آرای نورمن کلاف تا چه میزان از لحاظ بینامتنیت در میز و دیوار نوشته های دانش آموزان قابل بررسی است؟

روش پژوهش

روش تحقیق حاضر کیفی و از نوع توصیفی- تحلیل محتوا و تحلیل گفتمان است. که در سطح بینامتنیت بر اساس رویکرد گفتمان انتقادی کلاف مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است که گفتمان دانش آموزان و معلمان و مدیران را از لحاظ بینامتنیت مورد بررسی قرار داده است و نوع گفتمانی بین اینها و ایدئولوژی حاکم در متون نوشتاری دانش آموزان را تبیین نموده است. تفسیر بافت بینامتنی به این بستگی دارد که متن را به کدام مجموعه متعلق بدانیم و چه چیزی را میان مشارکین، زمینه مشترک و موز بخوانیم. پذیرش بافت بینامتنی مستلزم این است که به گفتمان های متون از دریچه چشم انداز تاریخی نگریسته شود.

1. Jingling

2. Machin, D., & Mayr, A

حجم نمونه آماری این تحقیق شامل ۱۰۰ مدرسه بوده که ۳۱ مدرسه بصورت تصادفی انتخاب شده و ۳۱ نمونه از متون نوشتاری (دیوار و میز نوشته ها) دانش آموزان در مدارس شهرستان میاندوآب بوده که بصورت تصادفی انتخاب شده است.

ابزار پژوهش

در این تحقیق ابزار مورد استفاده، دوربین عکاسی، تلفن همراه، میز و نیمکت و دیوار کلاس مدرسه های مورد نظر بوده است که متون نوشتاری دانش آموزان در چارچوب گفتمان انتقادی فرکلاف در سطح بینامتنیت جمع آوری کرده است.

شیوه اجرا. در این تحقیق ابتدا به جمع آوری داده ها (جملات نوشتاری) پرداخته شد و داده های این تحقیق همان میز و دیوار نوشته های است که دانش آموزان احساسات، نفرت، دشمنی، کینه و دوستی خود را بر روی دیوارها و میزها نوشته اند و این دیوار و میز نوشته ها همان گفتمان یک طرفه دانش آموزان است که توسط محقق جمع آوری شده است. و بصورت تصادفی و با مراجعه به مدارس متوسطه اول پسرانه انتخاب شده و عکس برداری شده است. محقق به مدت سه ماه و هرروز به مدارس متوسطه اول پسرانه شهرستان میاندوآب مراجعه کرده و نوشته های دانش آموزان را جمع آوری نموده و با گوشی و دوربین این نوشته های دانش آموزان را عکسبرداری نموده و یادداشت برداری کرده است و پس از جمع آوری جملات دانش آموزان آنها را از هم جدا کرده است و این متون یعنی نوشته های دانش آموزان را با استفاده از چهارچوب نظری گفتمان انتقادی فرکلاف یعنی در سطح بینامتنیت مورد بررسی و تجزیه تحلیل شده است.

یافته ها

در این تحقیق، دیوار و میز نوشته های دانش آموزان براساس چهارچوب تحلیل گفتمان کلاف در سطح بینامتنیت بررسی و تحلیل قرار گرفته و در این قسمت به سوال اول دیوار و میز نوشته ای دانش آموزان بر اساس تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف در سطح بینامتنیت جواب داده شده است.

در سطح بینامتنیت

هر سخنی به عمد یا غیرعمد، آگاه یا ناآگاه با سخن های پیشین که موضوع مشترکی باهم دارند و با سخن های آینده - که به یک معنا پیشگویی و واکنش به پیدایش آنهاست، گفتگو می کند. مناسبات بینامتنی درحکم حلقه های رابط اجزایی سخن است. مجموعه دانشی است که به متن امکان می دهد تا معنا داشته باشد. برای درک محتوای کلام لازم است کل ساختار و بنای ساختمان کلام ارزیابی شود. سطح همنشینی کلام که نظام زبانی را می سازد و سطح جانشینی. تفسیر بافت بینامتنی به این بستگی دارد که متن را به کدام مجموعه متعلق بدانیم و چه چیزی را میان مشارکین، زمینه مشترک و موض بخوانیم. پذیرش بافت بینامتنی مستلزم این است که به گفتمان های متون از دریچه چشم انداز تاریخی نگریسته شود (فرکلاف، ۲۰۰۰: ۲۳۰ و ۲۳۵).

ارزش ویژگی های متنی صرفاً با وارد کردن آنها در تعامل اجتماعی است که جنبه واقعی می یابد؛ بنابراین تنها پرداختن به صورت متن کافی نیست. برهمن اساس، متون براساس پیش ض های که به ویژگی متن ارزش می دهد، تولید و تفسیر می شود. تفسیر متن، ترکیبی از محتویات متن و ذهنیت (دانش زمینه) مفصل بکار بسته می شود. از نظر کلاف، قلمرو های تفسیر زمینه متن، مانند بینامتنی، بر آگاهی های پیشین، مانند نظم های اجتماعی و کنش متقابل اجتماعی منطبق است. در این بخش، زمینه مشترک بافت بینامتنی دخیل در شکل گیری متن و وجه اشتراک آن با گفتمان جاری در نوشته ها بررسی می شود. در دیوار و میز نوشته های دانش آموزان حاکمیت و قدرت استنباط می شود بدین معنی که قدرت و حاکمیت در مدارس در اختیار معلمان و مدیران است و گفتمان هم بین اینها براساس این قدرت تعیین می شود حاکمیت و موقعیت در مدارس طوری است که دانش آموزان محدودیت در

بیان افکار و آزادی خود دارند وقتی دانش آموزان نمی توانند احساسات درونی و افکار خودشان را بیان نمایند و این عدم بیان احساسات و افکار منجر به وجود ادست و ودست در جامعه مدرسه می شود و بنابراین دانش آموزان در مقابل قدرت حاکم بر مدرسه از گفتمان خاموش استفاده می نمایند و در دیوارها و میزها عقده ها و نگرانی خود را بصورت نوشته بیان می نمایند. وقتی صت از دست دانش آموزان گرفته شود این باعث می شود محدودیت گفتمان بوجود بیاید و یک نوع گفتمان یک طرفه در مدارس حاکم بشود و معلمان و مدیران طوری رفتار میکنند که صت را از دانش آموزان میگیرند و گفتمان غالب در اختیار معلمان و مدیران هست و قدرت خودشان را در گفته های خودشان به دانش آموزان نشان می دهند و یک نوع یکدستی در گفتمان ایجاد می شود بدین معنی که دانش آموزان فقط تابع اطاعت از گفتمان معلمان و مدیران هستند. در مثال زیر نشان از ودستی و ادستی دانش آموزان در مقابل معلمان و مدیران است:

۱. «از دست مدیر و معلم خلاص شوم مدرسه را رها می کنم و کتاب را کنار میذارم تا از دست این حاکمان (مدیران و معلمان) خلاص شوم».

۲. از کلاس ها متنم و خسته شده ام.

۳. از دست ریاضی و زبان و علوم (معلم) کلافه ام از دست معلم ریاضی خلاص شوم.

۴. از کتابهای درسی خسته شده ام و درسها را کنار میذارم.

۵. از دست کتاب عربی دیوانه ام خواب راحتی ندارم.

۶. مرگ بر تو باد و نفرین و نعلت بر تو باد

۷. از این مار و مورها متنفرم

۸. معلم به من توهین کرد و فحش داد

۹. مدیر به من اجازه حرف زدن نداد

۱۰. معلم ورزش منو پیش دوستانم خراب کرد و اهانت کرد

این نوشته ها بیان غلبه ی گفتمان متکی بر قدرت و اقتدار طلبی بر گفتمان دانش آموزان است؛ یعنی غلبه ادست بر ودست که در تمامی نوشته های دانش آموزان دیده می شود. در بافت موقعیتی این نوشته ها دانش آموزان با فضا سازی ذهن خواننده را به بیچارگی و بدبختی خودشان سوق می دهند. و دانش آموزان با بکار بردن واژه های سنگین و سرد در گوش خواننده زمزمه می کنند واز واژه ها بیشترین بهره را می بردند تا خواننده در یابد که در مدارس گفتمان حاکمیت و قدرت از طرف معلمان و مدیران است و دانش آموزان حق بیان و آزادی ندارند و یک نوع قدرت طلبی وجود دارد. و در نوشته های دانش آموزان چنین تفسیری را می توان دریافت که در مدارس، دانش آموزان فاقد قدرت هستند و اگر حرفی بی پروا زده بشود ممکن است به عنوان مجرم در مدرسه شناخته شود و منجر به اخراج و یا نابودی آینده دانش آموز شود. و باعث از دست دادن صتهای برابر در مدرسه بشود چنین رفتار منجر به خرده و کجرو را اهم میکند (ممتاز ۲۰۰۳: ۱۰۰). و دانش آموزان بانشان دادن تبعیض در مدارس توسط معلمان و مدیران یک احساس بی هویتی و بی نظمی را در دانش آموزان ایجاد می کند که این رفتار منجر به مشکلات رفتاری در دانش آموزان می شود.

۱۱. «معلم ریاضی به دوستم نمره خوبی داد و به من اعتنا نکرد».

۱۲. معلم عربی به همه دانش آموزان یک نمره ارفاق کرد ولی به من یک صدم هم ارفاق نکرد.

۱۳. نفرین خدا بر تو باد

۱۴. استاد دوست دارم

۱۵. معلم منو دوست ندارد ولی به همه توجه می کند.

۱۶. ای کاش از این مدرسه می رفتم چون که مدیر به ما رحم نمی کند.

بی اعتنا به دانش آموزان ضعیف و عدم رعایت برابری بین دانش آموزان باعث خرد شدن دانش آموزان می شود و نت و بی اعتمادی نسبت به جامعه مدارس می شود. و از طرفی از نوشته های دانش آموزان میتوان دریافت وجود یک قهرمان و یک ضد قهرمان است که دانش آموزان بعنوان ضد قهرمان و معلمان و مدیران بعنوان قهرمان در مدارس نقش اجرایی کنند که دانش آموزان در مقابل معلمان و مدیران قرار گرفته اند و این نشان از تسلط معلمان بر دانش آموزان و قدرت و حاکمیت معلمان و مدیران در مدارس است. در زمینه تفسیر متن و بافت بینامتنیت باید گفت که در نوشته های دانش آموزان از شعرها، جمله های حکیمانه، گفتار نیک و بد و همچنین مرگ و درود، گفتار دانشمندان، و ناله و اندوه دیده می شوند و در تمامی این جملات، ناله و حزن، ناراضی، سختی و مصیبت، گفتمان غالب است. و بینامتنیت یک نوع پیوستگی و نظم در گفتمان دانش آموزان است. در جامعه مدارس یک نوع نظم اجتماعی و کنش اجتماعی وجود دارد که در روابط گفتمانی بین معلم و مدیر نسبت به دانش آموزان وجود دارد و از طرفی این گفتمان نوعی گفتمان یک طرفه است که معلمان و مدیران این موقعیت را در جامعه مدارس بوجود آورده اند در بررسی نوشته های دانش آموزان نابرابری در مدارس از طرف مسئولین مدرسه یعنی گفتمان شدید معلمان و مدیران به نسبت دانش آموزان دیده می شود و این نابرابری در گفتمان دانش آموزان هویداست و این نابرابری از طرف معلمان و مدیران نسبت به دانش آموزان ایجاد شده است. چونکه در نوشته های دانش آموزان همیشه گله مندی و ناراضی و سخت گیری از معلمان و مدیران دیده می شود. در گرافیتی های دانش آموزان از واژه های چون؛ مرگ، درود، خیلی محترم، بنده، و نوکر استفاده است و این واژه ها بیانگر نابرابری گفتمان و محدودیت گفتاری در مدارس است و معلمان و مدیران این موقعیت و ساختار را در مدارس ایجاد نموده اند و موقعیت گفتاری برای دانش آموزان سخت است و دانش آموزان با واژه های مذکور نابرابری و حاکمیت گفتمان را مطرح میکنند و دانش آموزان با استفاده از قیدهای چون هیچ و همیشه به نوعی برجسته سازی است و توصیفات خود را برای مخاطبان باورناپذیر می دانند و این قیدها بیان کننده قطعیت می باشند و صد درصد رایان میکنند و در نوشته های دانش آموزان این قطعیت ها و صد درصد ها دیده می شود.

۱۷. مرگ بر معلم ریاضی و درود بر معلم ورزش

۱۸. مرگ بر مدیر قدرونوکر معلم فناوری هستم

۱۹. قربون معلم ادبیات برم و معلم مطالعات نوکرتم.

۲۰. «همیشه اکبر پرسمان»

۲۱. «ما همیشه همانیم که به دریا حکم طوفان میدهیم»

۲۲. «ما هیچ نیستیم چون ضعیفیم»

۲۳. زندگی درک همین اکنون هست

۲۴. شاد بودن تنها انتقامی است که میتوان از معلمان گرفت پس همیشه شاد باش

۲۵. میازار دانش آموزی که درس خوان است که جان دارد و جان و شیرین خوش است.

۲۶. ما خیلی ضعیفیم چون که معلم همه کاره است.

۲۷. ازدیدن معلم ریاضی دیوانه میشوم.

۲۸. لعنت خدا بر معلمان سختگیر

۲۹. عاشق معلمان خوش اخلاق و متنم از معلمان زبان

۳۰. عشق دیر جغرافیا هستم خیلی آدم با معرفتی است.

۳۱. عاشق با معرفت ها هستم.

در نوشته های دانش آموزان از عدم رضایت، ناامنی و بی عدالتی معلمان و مدیران دیده می شود و گفتمان غالب از طرف معلمان و مدیران است. خدای عصب خردکشی، و خلاصه فضای حاکم در مدارس با گفتمان غالب معلمان و مدیران اداره می شود و دانش آموزان نسبت به این بی عدالتی رنج و عذاب می کشند و حرفهای دلشان بر روی دیوار و میز نوشته بیان می کنند. واز گفتمان یک طرفه استفاده می نمایند و عدم رضایت و ناامنی و بی عدالتی معلمان و مدیران در مورد رعایت گفتمان از طریق نوشته بر روی میز و دیوار بیان می شود. و در آخر می توان گفت دانش آموزان با استفاده از شعر و پیام حکمیانه و اندرز نظم گفتمانی را در نوشته های خودشان ایجاد کرده اند و بدین طریق پیام خود را به خوانندگان انتقال داده اند.

در نوشته های دانش آموزان از عدم رضایت، ناامنی و بی عدالتی معلمان و مدیران دیده می شود و گفتمان غالب از طرف معلمان و مدیران است. خدای عصب خردکشی، و خلاصه فضای حاکم در مدارس با گفتمان غالب معلمان و مدیران اداره می شود و دانش آموزان نسبت به این بی عدالتی رنج و عذاب می کشند و حرفهای دلشان بر روی دیوار و میز نوشته بیان می کنند.

در پاسخ به سوال دوم تحقیق می توان اذعان داشت که نابرابری قدرت و تسلط مدیران و معلمان بر گفتمان حاکم در مدارس باعث شده است که دانش آموزان نتوانند دیدگاه انتقادی داشته باشند و احساسات و نگرش ها و حرف های خودشان را بیان نمایند و این نابرابری زبان و ایدئولوژی در ساختار مدارس به نفع مدیران و معلمان و غالب گفتمان به نفع آنها بوده و دانش آموزان از این گفتمان حاکم در مدرسه رنج می برند که این عوامل در بین معلمان و مدیران در شکل گیری گفتمان غالب، قدرت، زبان و ایدئولوژی در میز و دیوار نوشته های دانش آموزان موثر بوده است.

بحث و نتیجه گیری

در این تحقیق، گفتمان حاکم بر مدارس (دیوار و میز نوشته های دانش آموزان) متوسطه شهرستان میاندوآب براساس رویکرد گفتمان انتقادی نورمن کلاف، در سطح بینامتنیت تحلیل شد. در سطح بینامتنیت، می توان گفت دیوار و میز نوشته ها توانسته است فضای عاطفی و روانی حاکم بر اجتماع مدارس را تفسیر کند و به بازگویی گفتمان دانش آموزان بپردازد. در پیوندی بینامتنی دانش آموزان وقایع و فضای حاکم در مدارس را با جمله های نوشتاری کوتاه، گفتار نیک و بد را به صورت منظم و با حالت پیوستگی به تصویر کشیده است و نظم اجتماعی و کنش اجتماعی حاکم در مدارس نیز به صورت منظم بیان شده است. و در این گفتمان قدرت و تسلط و حاکمیت در اختیار معلمان و مدیران است که از گفتمان یک طرفه استفاده می شود و دانش آموزان در گفتمان خودشان محدودیت دارند و فقط می توانند از معلمان و مدیران اطاعت نمایند. بینامتنیت همان نظم گفتمانی و پیام نوشته ها و پیوستگی گفتمانی است که در نوشته های دانش داموزان دیده شد و نوشته های دانش آموزان دارای بینامتنیت می باشد بدین معنی که دانش آموزان در نوشته های خود از شعر و استعاره و مرگ و درود و نظم گفتمانی استفاده نمودند و در بافت زبانی پیام خودشان را به خواننده انتقال دادند و به طور خلاصه در موقعیت مدارس نوشته های دانش آموزان نشان می دهد که دانش آموزان از گفتمان یک طرفه و بی عدالتی در رعایت گفتمان توسط معلمان و مدیران گله دارند.

این تحقیق با پژوهش های تحریان و مقدم (۲۰۱۲)، ژیلنگ (۲۰۱۸)، سادات ناصری و همکاران (۲۰۱۵) همسو می باشد. سادات ناصری و همکاران نیز به بررسی تحلیل گفتمان انتقادی داستان مرگ بونصر مشکان بر اساس چارچوب نورمن کلاف در سطح بینامتنیت بررسی نموده است. و در سطح بینامتنیت و بافت متنی بحران عاطفی و روانی حاکم بر اجتماع آن دوران و گفتمان طیف های مختلف بایبوندی بینامتنی تفسیر می شود. و تعامل آسایش روحی، پریشانی، تعهد، بی تعهدی، وفاداری و خیانت و غیره را بیان می کند.

نوآوری این مقاله این بوده است که تمام تحقیقات انجام شده در زمینه دیوار و میز نوشته های دانش آموزان از دیدگاه جامع شناسی زبان بوده است اما این مقاله به بررسی دیوار و میز نوشته های دانش آموزان از دیدگاه گفتمان انتقادی فرکلاف در سطح

بینامتنیت پرداخته است و بیانگر روط نابرابر قدرت، ایدئولوژی و گفتمان حاکم در مدرسه و همچنین دیدگاه دانش آموزان نسبت به معلمان و مدرسه بوده است. با توجه به رویکردهای جدید تحلیل گفتمان انتقادی، پیشنهاد می گردد متن نوشته های دیگر گروه های جامعه نیز تحلیل و تفسیر گردد تا با انتقال هرچه بهتر دیدگاه و سبک نوشتاری این گروه ها، بتوان به رمزگشایی گفتمان ها و ایدئولوژی های پنهان در لایه های زیرین متن نوشته ها کمک نمود.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت شد و تمامی مصاحبه ها با رضایت شخصی افراد شرکت کننده ضبط و یا نگارش شده است.

حامی مالی

این مطالعه بدون حمایت مالی هیچ مؤسسه و سازمان دولتی یا خصوصی انجام شده است.

مشارکت نویسندگان

همه نویسندگان سهم یکسانی در تهیه پیش نویس مقاله، بازبینی و اصلاح مقاله بر عهده داشتند.

تضاد منافع

تعارض منافع ندارم

تشکر و قدردانی

بدینوسیله از تمامی افرادی که در انجام این پژوهش همکاری و مساعدت کردند، قدردانی و تشکر می شود.

References

- Aghagolzadeh, F. (2007). *Critical discourse analysis*. Tehran: Scientific and Cultural.
- Aghagolzadeh, F. (2015). Critical discourse analysis of literature. *Literary Studies*, 1, 17-27.
- Bahrami Rahnama, K. & Arian, H. (2020). Critical discourse analysis of the novel "Fishes sleep at night" based on Norman Fairclough's views. *Literary research text*, 24(85).
- Fairclough, N. (2003). *Critical discourse analysis. Translators of Fatemeh Shaiste Piran and others*. Editors Mohammad Naboi and Mehran Mohajer. Tehran: Media Studies and Research Center.
- Farah Baksh, A. (2013). Analysis of Forough Farrokhzad's poems based on the theories of Gaston Bachelard. *Fourth National Conference of Literary Criticism: Discourseology of Literary Criticism*.
- Geling, T. (2018). Critical discourse analysis of the Guardian newspaper in China's military regime, the 70th anniversary of World War II. *Journal of Linguistics*, (4), 433-444.
- Ghasemzadeh, S. A. & Gurji, M. (2013). Critical discourse analysis of Dr. Noon's novel loved his wife more than Mossadegh. *Literary Studies*, (17), 33-63.
- Harris, Z.S. (1952). Discourse Analysis: A sample text. *Language*, 28(4), 474-494. (Repr. in 1970a, pp. 349-379.)
- Jorgensen, M. & Phillips, L. (2014). *Theory and method in discourse analysis*. Translation: Hadi Jalili, Tehran: Ney Publishing.

- Khairabadi, R. (2013). Linguistic concept of news selection writing: critical discourse analysis approach. *Journal of Linguistic Essays*, 3, 25-42.
- Machin, D., & Mayr, A. (2012). How to do Critical Discourse Analysis. *European Journal of Communication*, 29(1).
- Momtaz, J. (2003). Legal Defend or Selfdefense. *The Scientific Journal of Strategy*, (35), 200-204. [In Persian].
- Nasiri, P., & Talebian, Y. (2021). A critical look at Nafs al-Masdur from the perspective of Norman Fairclough's discourse analysis. *Literary interdisciplinary research*, 4(7).
- Nowzari, H., Jamshidiha, G., Gholamipour, I., & Irani, Y. (2012). The usefulness of Fairclough's critical discourse in the analysis of concrete texts: looking at the texts produced by the media focusing on the recent economic and social crisis in Europe and America. *Quarterly Journal of Social Studies and Research in Iran*, 2(1).
- Sadat Naseri, Z., Farooqi Handwala, J. A., Naseri, A. & Mohammadi, I. (2015). Analyzing the critical discourse of the story of Bunser Meshkan's death based on Norman Fairclough's approach. *Linguistics*, 4, 110-85.
- Sherkat Moghadam, S., Nawabzadeh Shafiei, S. & Siminfar, S. (2021). Critical discourse analysis of "You are not a stranger" based on Norman Fairclough's approach. *Fiction Literature Research Journal*, 10(2) (No. 35).
- Tahririan, M. H. & Moradi Moghadam, M. (2012). Examining trends and cross-cultural analysis of silent discourse graffiti. *Bimonthly Journal of Linguistic Studies*, 3, 211-193.